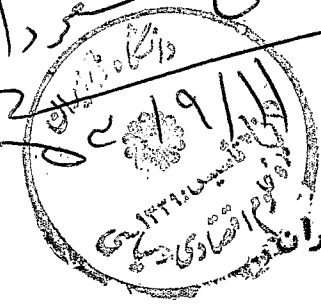


باری بیاروف قبول
لهو علی محمد اصدقی



۵۳/۶۱۱

دانشگاه ملی ایران
دانشکده اقتصاد

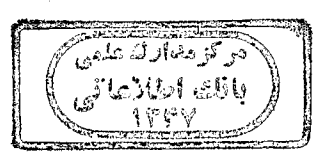
پایان نامه برای دریافت درجه لیسانس

موضوع : مبارزه با بیکاری

استاد راهنما : جناب آقای دکتر انصاری

ترجمه : ضحویه سیادت

سال تحصیلی ۵۲-۵۳



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	تهدید روانی تورم
۱۵	لیست سیاستهای قابل اتخاذ
۲۶	مسائل مادر مورد شاخص قیمت ها
۴۰	محاسبه شاخص قیمت مصرف کننده
۵۱	سیاست مالی - اصول و روشها
۶۹	حلقه های ضعیف در زنجیر ضریب افزایش
۸۲	عملیات سیاست مالی برای دهه ۱۹۶۰
۱۰۰	نیاز به تعادل در بودجه های فدرال
۱۱۶	محدودیت های تا* سیاست عمومی

ترجمه و بخش از کتاب مبارزه با بیکاری

The Battle Against Unemployment

by: Arthur M. Okun

تهدید روانسی تورم

آرتور اف برنرز

"آرتور اف برنرز استاد اقتصاد در دانشگاه کلمبیا و رئیس سازمان ملی تحقیقات اقتصادی میباشد. از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۵۶ وی رئیس هیئت مشاورین اقتصادی بوده است این مقاله انتخابی چکیده‌ای است از یک سخنرانی با عنوان "سیاست پولی و تهدید تورم" که در سال ۱۹۵۸ در اجتماع امریکائیگان ایراد شده است.

موقعیت‌های اقتصادی که در مقابل ملت مقرر دارند فوق العاده میباشد البته در صورتی که ما درایت کافی برای استفاده از اکثر آنها را داشته باشیم. ترس از رکود که باعث جلوگیری از پیشرفت ما در دهه ۱۹۳۰ شده بود از میان رفته است جمعیت ما بطور سریعی در حال ازدیاد است و ما میدانیم که این ازدیاد به احتمال قوی همچنان ادامه خواهد یافت. همچنین میدانیم که بخش صنعت ما بطور گسترده بی در حال پیشرفت و توسعه میباشد و اطلاع داریم که تحقیقات و کارهای عمرانی یکی از صنایع اصلی ما شده اند و این

کوششها بطور مرتب و روزافزونی موجب تولید محصولات جدید و بهتر، مواد -
 جدید و بهتر و فرایندهای تکنیکی جدید و بهتر میشوند. همچنین آگاهی
 داریم که موفقیت های سرمایه گذاری ما پرثمر بود ه مواد ام که عامل مشوقی
 برای افکار جدید وجود داشته باشد که چنین موفقیت هایی را خلق کند
 آنها پرثمر باقی خواهند ماند. ما میدانیم که به عنوان گروهی از مردم در
 حال حاضر تلاش از گذشته اشتیاق داریم در مورد به سازی خود و بالا بردن
 سطح معیشت محیط زندگی مان.

اعتقاد ما به آینده اقتصاد ملت بر مبنای همین آگاهی قوی بنا شده است و
 با این وجود در افق اقتصادی ما ابرهایی دیده میشود که مخاطره
 انگیزترین آنها تورم میباشد.

احتیاجی به تأکید در مورد تغییر عادلانه بودن تورم نمی بینم. تورم حتی
 اگر با سرعت کم پیش بیاید در طی زمان طولانی باعث اشکالاتی در امور -
 محصلین، کارمندان دولت، و بسیاری از میلیونها کارگر سازمان نیافته میگردد.
 تورم همچنین در زندگی روزمره جمعیت روزافزونی که زندگی آنها به -
 حقوق بازنشستگی و یا انواع وامها بستگی دارد و میزان بازده ثابتی را دریافت

مینمایند اشکالاتی ایجاد مینمایند .

به علاوه تورم باعث جلوگیری و کاهش صرفه جویی مردم هر طبقه از اجتماع ما می باشد بخصوص صرفه جویی آن طبقه که از درآمد کمی برخوردار میباشند و اطلاع کافی یا وسیله فی برای توزیع سرمایه گذاری خود بنحوی که از خطرات تورم را آمان بماند ندارند تحت تاثیر قرار میگیرند .

این " غیر عاد لانه بودن " تورم همانقدر که روشن و واضح میباشد ، -
جدی هم هیست . زیرا تورم مداوم نه تنها خوشبختی يك جامعه را -
بخطر میاندازد بلکه ممکنست با وارد کردن ضربه سبب خطرات دیگری هم
بشود .

اولاً " تورم ، باعث مغشوش کردن حسابدهای سازمانهای تجاری میشود
و بدین ترتیب گاهی اوقات تصویری نادرست از سود رانسان میدهد در -
حالیکه سرمایه اولیه هم در حال مصرف میباشد . این موضوع بدون شک در
مورد تعدادی از شرکتهاى ما در حال حاضر صادق میباشد . -
ثانیاً " ، تورم باعث کاهش قدرت ملل در فروشیه بازارهای خارجی میشود .
ضررهای اخیر در مورد طلا بایستی بمایاد آوری کرده باشد که با وجود -
فراوانی موجودی طلاى ما ، نمیتوانیم بگوئیم که در چند سال دیگر با مشکل

عد متعادل تراپرداختها مواجه نخواهیم شد .

ثالثاً " تورم همیشه متمایل است به وجود آوردن موقعیتهای برای ایجاد تورم بیشتر ، وقتی چنین افکار و موقعیتهایی توسعه یافت ، بدون شك سفته بازی و احتکار زیاد در کالاها و مستغلات حقیقی ویا در اوراق قرضه صورت خواهد گرفت و بتدریج منجر به انهدام وضع اقتصادی جامعه خواهد شد . در این حالت يك روانشناسی تورمی شیوع پیدا کرده است و نسی بنظر نمی رسد که این شیوع روانی تورم بر مبنای انتظارات کوتاه مدت باشد برعکس بر مبنای آن قضاوت هایی است در مورد آنچه که آینده دراز مدت برای ما اندوخته است .

این عقیده تنها از جانب تاریخ طویل پول و قیمت ها از سال ۱۹۳۰ ناشی — نمیشود بلکه عوامل و شرایط مالی دولت فدرال ، وضع مالی و حقوق افراد و همچنین وضع قیمت ها در گذشته نزدیک نیز باعث تقویت این عقیده میگردد . در اینجا چند نکته واقعی را ذکر میکنم .

اولاً " مقاومت دستمزدها نسبت به کاهش فعالیتهای تجاری که همیشه تا حدودی وجود داشته است در سالهای اخیر شدت یافته است . متوسط

مزد کار ساعتی در کارخانجات صنعتی ۲۲ درصد در سالهای ۲۱ - ۱۹۲۰ که رکود اقتصادی شدید وجود داشت، کاهش پیدا کرد در حالی که در رکود کوتاه مدت ۱۹۳۸ - ۱۹۳۷ میزان کاهش فقط یک درصد بود. مزد کار ساعتی نسبت به دور رکود متوسط که در دهه* ۱۹۲۰ به وقوع پیوست کاهش کمی نشان داد ولی در رکودهای کوتاه مدت سال ۱۹۴۹ - ۱۹۴۸ و ۱۹۵۴ - ۱۹۵۳ عملاً "تغییری در دستمزدها پیدا نیامد" در طی - آخرین دوره رکود اقتصادی کوتاه مدت ما که در سال ۱۹۵۸ - ۱۹۵۷ اتفاق افتاد مزد ها عملاً "به میزان قابل توجهی افزایش یافت."

چنانچه دستمزد کارگر بطور شدیدی در طول توسعه فعالیتهای بازرگانی افزایش یابد (همانطور معمولاً اتفاق میفتد) و اگر این دستمزد در طول رکود کوتاه مدت اقتصادی کاهش نیابد و برعکس همانطور که در رکود کوتاه مدت اخیر مشاهده شد افزایش یابد، واضحست که دستمزد ها باعث - بالا رفتن مداوم قیمتها میشوند. مگر آنکه افزایش تولید خیلی بیشتر از آنچه که تاکنون بوده است باشد.

در مرحله دوم و در مورد قیمت های حال حاضر یک تفاوت شدید در مقایسه

باندوه^۴ تغییرات قبلی آن مشاهده میشود .

در طول یک دوره طولانی از تاریخ ما ، قیمت ها سریعاً در بازار عمده فروشی و در بیشتر دوران گسترش فعالیتهای تجاری افزایش یافت ولی بهمان صورت نیز در طول دوره های رکود شغلی کاهش یافت . در چنین شرایطی طبیعی بود که تصور شود که در موقیع گسترش فعالیتهای بازرگانی قیمت ها افزایش یابند ولی در یک یا دو دوره کاهش فعالیت بازرگانی نیز قیمت ها کاهش خواهند یافت و البته نتیجه هیچگونه اثر کاهش دهند^۵ .

دائمی در قدرت خرید پول باقی نمی ماند . ولی با توجه به تاریخ قیمتها از زمان جنگ تا بحال ، چنین انتظارات یا توقعاتی دیگر منطقی بنظر نمی رسد . از این قرار در طول دوره^۶ کامل تجاری از سال ۱۹۴۹ تا کنون میانگین سطح قیمت عمده فروشی در طی دوره^۷ اول گسترش ۱۲ درصد - افزایش یافت و در دوره^۸ دوم گسترش ۷ درصد افزود شد ولی در مقابل - این افزایش در طی رکود ۵۴-۱۹۵۳ قیمت عمده فروشی فقط ۴٪ کاهش یافت و در طی رکود سالهای ۵۸-۱۹۵۷ حتی یک درصد بالا رفت .

نحوه^۹ تغییرات قیمتها برای مصرفکننده نیز مشابه بوده است ، بدین معنی

که در طول توسعه یا دوره تجاری ۵۴-۱۹۴۹ این قیمتها ۱۳ درصد افزایش یافتند و در طی دوره انقباض ۳٪ دیگر نیز به آن اضافه گردید . آنچه که در زیر میآید . کلیاتی است که امروزه بیشتر مردم کم و بیش به آن اعتقاد دارند و فقط تا عمیق در مورد بندهای مختلف آن در بین افراد مختلف متفاوت می باشد .

۱- در طول دورانی که تقاضا برای کالاها و یا خدمات بالا می رود ، رقابت

باعث بالا رفتن قیمت ها و در دستمزدها می گردد .

۲- در طول زمانی که تقاضا برای کالاها و خدمات کاهش می یابد اتحادیه

های تجاری بطور عموم باندازه کافی قدرت دارند که از کاهش دستمزدها

جلوگیری کرده و یا حتی آن را افزایش دهند .

۳- این تمایل بوسیله افراد شاغل در حال رشدی که به موافقتنامه های -

کارگری داخل می شوند تقویت می شود که این افراد تقاضای مزد بیشتر

یا منافع در حاشیه بیشتر بدون ملاحظه وضع استخدامی یا منافی کننده

ممکنست بعداً شامل شوند دارند .

۴- ثبات یا بالا رفتن دستمزدها در طول رکود اقتصادی منجر به ثبات

ویاحتی افزایش قیمت ها میگردد .

۵- بسیاری از شرکتهای تجاری و بخصوص شرکتهای بزرگتر به رقابت بیشتر لوز مینه نوع محصول یا کیفیت محصول و خدمات همراه با فروش محصول تمایل پیدا میکنند و در مورد قیمت ها چندان رقابتی نخواهد شد .

۶- افزایش رهن ها و وامهایی که به مصرف کنند ه داده میشود باعث شده که مصرف کنندگان توجه کمتری به قیمت ها نموده و برعکس بیشتر بر میزان دستمزد ماهانه توجه داشته باشند .

۷- در حالیکه قیمتها در بازارهای متعددی بصورت قابل انعطافی باقی مانده اند بنظر میرسد که دولت تمایل دارد بعضی از تولید کنندگان را گهی در این صنعت و گاهی در صنعت دیگر در قبال نیروهای رقابتسی بازار تحت حفاظت خود درآورد .

۸- با وجود اینکه در صورت تبدیل یک رکود کوتاه مدته به یک رکود طولانی دستمزد ها و قیمت ها بدون شك انعطاف پذیر خواهند شد ، سیاست فعلی در دولت ما چنین است که با استفاده از تمام وسایل ممکن تنزل های تجاری و تعادل میبخشد و شاید بتوان با اطمینان انتظار داشت

که این سیاست در سالهای آتی نیز تعقیب شود .

در سالهای اخیر دولت کرارا " اشتیاق و قدرتی را در رفع نیروهای موجود

رکود های کوتاه مدت از خود نشان داده است . مع الوصف سیاست دولت در مقابله با مسئله تورم از نظر کمی و کیفی در سطح پائین تری بوده است و هم اکنون نیز شواهد کافی در مورد اینکه در آینده این سیاست تغییر خواهد یافت وجود ندارد .

۱- بالاخره به عنوان يك نتیجه از کلیات فوق الذکر ، ملت ما با تهدید -

تورم در سالها و دهه های آینده روبرو میباشد .

بیشتر مردم انتظار دارند که تورم بصورت تدریجی و آرامی بوجود میآید .

تعداد کسانی که انتظار يك تورم سریع و ناگهانی را دارند ، بسیار محدود

میباشند . نمیتوان با اطمینان فرض کرد که حالت انتظارات مردم ثابت

باقی خواهد ماند . هر چه قدر تعداد افرادی که به وقوع حتمی تورم -

بسطی عقیده دارند بیشتر شود همیشه این خطر که نحوه رفتار آنها

قدرت زیادی به رشد تورم داده و در نتیجه بر اساس خوشبختی ملت ضربه

وارد خواهد کرد بیشتر خواهد شد .

خوشبختانه به عنوان گروهی از مردم هنوز فرصت داریم که رشد این عقیده را که وقوع تورم غیرقابل جلوگیری است متوقف نمایم هر چند که این فرصت نامحدود نیست. همچنین فرصت داریم که اوضاع اقتصادی خود را بنحوی سروسامان دهیم که اعتقاد به سلامت دلار مجدداً پدید آید. برای انجام چنین کاری راههای مختلفی را میتوان انتخاب نمود ولی پیشنهاد میکنم که بمنظور اطمینان بیشتر برای موفقیت تلاشها بیان و اصل کلی رابۀ عنوان راههای فعالیت خود را این مورد در نظر داشته باشیم:

اولین اصل اینست که همانطور که دولت و بخش خصوصی برای پایان دادن به رکود کوتاه مدت اخیر همکاری نمودند، در جلوگیری و پیشگیری از تهنید تورمی درازمدت همکاری آنها ضروری خواهد بود.

اصل دوم، عیار تست از لزوم اقدامات دولت فدرال در یک جنبه وسیع برای جلوگیری از مسئله تورم بهمان ترتیب که این دولت سیاستهای مختلف خود را برای مقابله با رکود کوتاه مدت هماهنگ نمود.

آنچه که فعلاً بیش از هر چیز نیاز داریم صدور یک اعلامیه ملی در مورد هدف نهایی از سطح قیمتها میباشد. این اعلامیه میبایست همانند

قانون استخدام که در سال ۱۹۴۶ توسط گنجره به تصویب رسید و دارای —
 قدرت و نیروی اخلاقی قابل عمل در مورد سطح تولید و استخدام میبود —
 دارای نیروی مشابهی در مورد کنترل سطح قیمت ها باشد ، راه ساده و عملی
 برای انجام چنین کاری گنجاندن مفاد منصفانه فی در مورد تثبیت قیمت
 برای مصرفکنندگان در قانون استخدام می باشد . و اجرای آن جزء سیاست
 دائمی و مسئولیت دولت فدرال با کمک و همکاری بخشهای صنعت ، کشاورزی
 کارگران و ایالت و حکومت محلی می باشد .

با وجود اینکه چنین اصلاحیه فی در قانون استخدام بخود می خود موفقیت —
 پیشگیری تورم را تضمین نمیکند (همانطور که قانون استخدام هم فقط — ط
 تا حد معین در جلوگیری از بیکاری و وقوع رکود های کوتاه مدت موفق بوده است)
 با اینهمه این اصلاحیه موثر خواهد بود . اولاً* در صورتی که قانون استخدام
 بدین ترتیب اصلاح میشود لازم خواهد شد که در گزارش اقتصاد ی رئیس —
 جمهور به گنجره در مورد وضع آینده* قیمت ها و همچنین سیاست هائی که
 برای تثبیت منصفانه* قیمت ها در طول سالهای متعدد ی بایستی دنبال —
 شوند توضیح د قیقت و توجه بیشتری بشود .

گزارش کمیته^۱ مشترك اقتصادى كنگره نیز طبیعتاً^۲ در همین جهت تغییر - خواهد کرد . از همه مهمتر آنکه صد وريك اعلامیه از طرف كنگره در مورد سیاست دائمی دولت فدرال برای تثبیت سطح قیمت ها ، تولید حداکثر - و درآمد و استخدام ، بخش خصوصی را متوجه خواهد کرد که دولت مصمم است از لار در قبال ضربه های مهاجمی حمایت کند . و همچنین به آنان خواهد فهماند که راهی که سیاست دولت پیش خواهد گرفت تا حدود زیادی به اقدامات صاحبان تجارت در مورد قیمتها و ملاحظات رهبران اتحادیه های کارگری در مورد دستمزدها بستگی خواهد داشت .

من انجام این اصلاحیه را در قانون استخدام تأکید و تشویق میکنم . این - اصلاحیه بایستی طوری باشد که تثبیت قیمت را برای مصرف کنندگان هدف مشخص و معین سیاست اقتصاد ملی بنماید زیرا این فکر میکنم این عمل موثر ترین راهی است که دولت میتواند برای متوقف کردن این عقیده منتشر شده - در مورد اینکه ما در يك دوران توری زندگی می کنیم در پیش گیرد . ولی اگر این تغییر حاصله در روحیه افراد ملت دائمی باشد بایستی از وسایل و روش های دیگر استفاد نمود .

یکی از مهمترین احتیاجات موجود آن است که او لویت مصرف کنند هیا مصرف کنندگان که شامل همه کس میشود مجدداً "تاکید" شود و قدرت گروههای بخصوصی که در اقتصاد ما انحصار یافته اند کاهش یابد .

سهرشته عملیات کلی بنظر من مورد نیاز و عملی میباشد . در وضع اول لازم است که ماکوشش زیادی برای یک ارزیابی مجدد از شبکه حمایت قیمتها و مقررات دستمزدها قوانین گمرکی ، انبارداری و کمتهای بلا عوض که در طی سالها دولت ما آنها را بوجود آورده است بنمائیم .

با وجود اینکه بعضی ازین قوانین مطمئناً "بفیع عموم" خواهند بود ممکنست احتمال کمی وجود داشته باشد که تمام تا "شیرکلی" آن بالا رفتن قیمت ها یا جلوگیری از نزول آنهاست .

ثانیاً " لازمست که ما قوانین ضد تراست خود را تقویت کنیم بخصوص در مورد آنها که میخواهند جدیداً " وارد تراست بشوند و همچنین آزادیهای بیشتری در بودجه برای اعمال قوانین ضد تراست بگنجانیم .

ثالثاً " در مورد اتحادیه های تجاری یا بازرگانی ، کمترین کاری که میتوان انجام داد آنست که اوضاع مالی آنها و همچنین انتخاب کارمندان آنها را -